

که بگویم باید همانطوری که حمام می رود لغت شود و یک انگلی به بندد و مفتش بیاید به بیند آیا این پارچه اش وطنی است یا نه یزد است یا کرمان و این مسئله در هیچ جا سابقه ندارد و باید مربوط به قانون نیست مستخدمی را که برای دولت لازم است از او کار و درستی و صحت عمل و انجام وظیفه می خواهند چطور می شود مستخدمی را که سی تومان حقوق می دهند . . .

یک نفر از نمایندگان - سیصد تومان هم حقوق بگیر هستند .

سلیمان میرزا - یا سیصد تومان حقوق بمدر کل بدهند بایستی اینها این شرایط را داشته باشند و آن کسی که ماهی پنج هزار تومان حقوق می گیرد آزاد و به میل خودش باشد پس اگر شما از راه فلسفه ترقی صنعت و ترویج اتمه داخلی می خواهید اینکار را بکنید باید یک طرح قانونی پیشنهاد کنید که عموم اشخاصی که از خزانه دولت استفاده می کنند باید ملبوس وطنی بپوشند و آقای زنجانی این پیشنهاد را کردند و جزو قانون استخدام نباید باشد و این یک ماده واحده باید باشد و وقتی که اینطور شد بنده هم موافقم ولی بجهت مستخدم بخصوص اینرا کمسیون عملی ندانست به جهت همان مسئله رقابتی که یکی از آقایان فرمودند مثلاً اگر ثبات یا منشی اداره داخل شود در اداره به بینند حضرت اشرف آقای وزیر نشسته است و سر تا پا فرق لباس خارجه است آن وقت او یک پیراهن قصب و یک قبای قدک و یک کلاه نمذ آنوقت خود این استهزاء نیست ؟

بنابراین اگر آقایان می خواهند اجبار به مستخدم بیچاره بکنند این اقدام را اول خودشان بکنند و تا یکماه دیگر لباس خودشان را از مامه و کلاه و غیره را تمام از پارچه های وطنی بکنند وقتی که اینکار را کردید و امتحان دادید که فیر از منسوجات وطنی نبوشیده اید . . .

آقا سید فاضل و چند نفر دیگر از نمایندگان - بسیار خوب همه حاضریم . سلیمان میرزا بسیار خوب بنده همین اشخاصی را که فرمودند حاضریم به بینم در برج دیگر همین آقای آقا سید فاضل این کار را می کنند یا خیر ؟ . . .

آقا سید فاضل - همین فردا . سلیمان میرزا - ولی اگر بخواهیم این ماده الحاقیه را ضمیمه بقانون استخدام کنیم آن وقت هر مستخدمی که زحمت کشیده با این ترتیب ممکن است وزیر او را خارج کند و بگوید برخلاف ماده این قانون رفتار کرده است و اگر هم از او سؤال کنیم می گوید دیروز که آمد با اداره کفش برقی یا کرده بود بنابراین مطابق ماده الحاقیه قانون دستش را گرفتیم و از اداره خارج کردم .

بنده هم که میشنوم نبوده ام که به بینم

حق میگوید یا نه ؟

این است که بنده عرض می کنم این ماده عملی نیست بنابراین با گفتن اینکه سنک جلو ترویج متاع داخلی میکنند ما که طرف مقابل هستیم از میدان در نمیرویم و با اصطلاح امروز هونمی شویم مستخدمین ادارات را نمی شود در فشار گذارد و با این ترتیب نمی شود حقوق مستخدمین را تأمین کرد و به همین جهت بود که در جواب آقای حاج شیخ اسدالله عرض کردم شما سنک جلو قانون استخدام می گذارید و این ماده قانون استخدام را بکنی لغو می کنید و برای یک نفر مستخدم دیگر حقوق استخدام باقی نمی گذارند زیرا این ماده مستخدم تمام کارهای خدمات را با اختیار وزیر و گذار میکند در صورتیکه ما قانون استخدام را برای این می خواهیم که اختیارات وزیر را محدود کنیم که اشخاص نالایق وارد نکند و اشخاص لایق را بدون تقصیر خارج ننماید و برای این است که کمسیون با این ماده مخالف است که می گوید قانون می دهید دست وزیر که هر ساعتی که می خواهد پسر عموی خود را بیاورد در عرض فوراً بموجب یک رایورت مفتش یک نفر دیگر را باسم این که سرداریش لباس وطنی نبوده خارج نماید آن وقت چه می توان گفت ؟ وقتی هم که از وزیر سؤال کردیم جواب می دهد مطابق قانون عمل شده تازه اجرای قانون کرده است و مثل سایر قوانین این ماده که بره خودش می باشد زود اجرا می کند بنا بر این این ماده برای فایده مستخدمین نیست بلکه بر ضرر مستخدمین است این ماده را که آقایان می فرمایند روح قانون است خیر چنین نیست این ماده کشنده تمام اعضاء ادارات است این ماده بوزراء اختیار می دهد که بمیل فعال میثانی هر که را می خواهند از ادارات خارج کنند حالا می خواهید این مطلب را تصدیق کنید من دفاع می کنم و اگر تصدیق کنید مثل سایر رأی هائی است که برخلاف داده اند.

آقا سید فاضل - رأی هائی که داده ایم خوب بوده

سلیمان میرزا - بنابراین محتاج باین حرارتها نیست و تاریخ زندگانی هر کس در خارج هست و عرض می کنم به شمشیر وطن پرستی و وطن پرستی سلیمان میرزا موثی فرق نخواهد کرد . . .

آقا سید فاضل - همه وطن پرستیم

سلیمان میرزا - اگر وطن پرست نبودیم اینجا چکار می کردیم بنابراین عرض می کنم اظهار و اثبات وطن پرستی و گفتن حسب الوطن جواب حرفهای بنده نمی شود که ما را قانع کند ولی در اصل قضیه بنده و سایر مخالفین موافقم ولی بطور عملی چنانکه اگر در روزنامه های تربیت مرحوم ذکا الملک را آقایان مطالعه فرموده باشند در آن موقع این پیشنهاد را داده بود که یک ترتیبی برای پارچه های وطنی بدهند و یکی از

اشخاصی که موافق بود بنده بودم ولی از راه عملی و آنجا مقاله مفصلی نوشته بود و ترتیب نمایشگاه وطن (ا کیسویزیسیون) نوشته بود و در ضمن هم نوشته بود اول اعلیحضرت همایونی و اعضاء درباریان لباس وطنی خریدند و پوشیده و در سلام نطق فرمودند که من امروز لباس وطن خودم را پوشیدم و امروز روز سمادت خود می دانم بنابراین همه باید تاسی کنند همه مردم بیچاره در نطق اعلیحضرت اینطور شنیده بود و آن بافنده پارچه هم اظهار نموده بود که من این پارچه ها را بهترین پارچه ها دیدم و از برای ملبوس اعلیحضرت انتخاب کردم و آن بیچاره خوشبخت در خواب دیده بود که بعد از یکسال همه مردم تاسی کرده اند و منسوجات و صنایع داخلی ترقی کرده است

دیدم بغواب خوش که بدستم پیاله بود تعمیر رفت و کار بدولت حواله بود اگر بخواهیم این مسئله عملی شود باید ابتداء از دولت شروع کرده و بعد ما و کلا بیوشیم تا دیگران هم بما تاسی کرده و آنها هم بیوشند والا کسی که صبیح خرما خورده نمی تواند دیگران را از خوردن خرما منع کند در این صورت عرض می کنم خوب است آقایان مخالفین در صورتی که در اصل موضوع بهیچ وجه مخالفتی در بین نیست آنها هم عرض اینک مخالفت میکنند

مساعدت نمایند که این ماده از قانون استخدام خارج شده و یک ماده واحده منتقل جامع الاطرافی پیشنهاد بشود که همه ما باتفاق آراء در آن رأی بدیم که هم اثرش بیشتر وهم معنای منسوجات وطن ترویج یابد زیرا بتوسط پنج شش هزار نفر اعضاء ادارات که آنها را مجبور کنیم حتماً لباس وطن بپوشند آنطور که ما می خواهیم منسوجات وطن ترویج پیدا نمی کنند ولی اگر آقایان مساعدت بفرمایند یک ماده مستقلی در این باب پیشنهاد شود . عموم اشخاصی که از صندوق دولت استفاده می کنند باید تا یکسال دیگر لباس وطنی بپوشند و البته این ترتیب خیلی بهتر و عملی تر و منسوجات وطن را بیشتر ترویج می کند خوب حالا این از نقطه نظر اقتصادی این پیشنهاد بهتر است یا آن پیشنهادی که فرموده اند . البته این بهتر است و مقصود آقایان را بعد کمال می رساند و آن مطالب را که بنده خیال میکنم و سوء ظن دارم آنها را هم رفع می کند در مملکتی که مدعی العموم را که مصون از تعرض است با نوك یا از عدلیه خارجش می کنند در آن مملکت ثباتش را نمی توان هر دقیقه خارج کرد . پس در یک مملکتی که مدعی العموم را که حکم قاضی است عذر بخواهند . . .

نصرت الدوله - قاضی نیست سلیمان میرزا - ولو اینکه حق

قضات داشته باشد یا نداشته باشد آنوقت ملاحظه می فرمائید که خارج کردن اجزای جزء به چه آسانی خواهد بود پس می بینیم هنوز که بهانه در دست طرف نداده ایم فعال میثانی می کند چه رسد بوقتی که یک همچو ماده بگذرانیم این است که بنده وظیفه خود را دانسته و تکرار می کنم که اگر این ماده بگذرد تمام زحماتی را که اجزای در اداره کشیده بی نتیجه خواهند ماند هر وقت یک وزیر یکی از اعضاء را بخواست دست او را می گیرد و از اداره بیرونش می اندازد و هر وقت هم که سؤال شود میگوید چون لباس وطن نبوشیده بود او را خارج کردیم بنابراین آن پیشنهادی که آقای زنجانی فرمودند خوب است همان را آقایان بطور طرح قانونی قبول کرده و در اوصاحت کنند آن وقت هم سوء ظن بنده رفع شده وهم بطور عموم هر کس که باید از این مملکت استفاده می کند مجبور خواهد بود لباس وطنی بپوشد و بنده با آن کاملاً موافق خواهم بود .

ولی با این ترتیب اگر این ماده ضمیمه قانون استخدام شود بنده عرض می کنم یک قسمت از اعضاء ادارات را خارج خواهند کرد .

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است)

نایب رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - بنده اول معض

رفع شبهه حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا که می فرمایند اگر این ماده الحاقیه تصویب شود تمام مستخدمین را حریان و تفتیش خواهند کرد عرض می کنم که پیشنهادی کرده ام که بعد ملاحظه خواهند فرمود حالاً هم توضیحاً عرض می کنم که مراد از لباس کفش و کلاه و لباد و عمامه و شلوار و از این قبیلها خواهد بود .

(در این موقع شاهزاده سلیمان میرزا و چند نفر از نمایندگان اقلیت از مجلس خارج شدند)

آقا سید فاضل - شاهزاده سلیمان

میرزا که رفتند ولی بعد عرایض مراد روزنامه ملاحظه خواهند کرد معروف است (چون همه کافی نبود جلسه ختم شد)

رئیس مجلس - مؤتمن الملك

جلسه ۱۷۶

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه چهارم فوس ۱۳۰۱ مطابق هشتم ربیع - الثانی ۱۳۴۱

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر

بریاست آقای مدرس نایب

رئیس تشکیل گردید)

صورت مجلس یوم شنبه - و م فوس را آقای

امیر ناصر قرائت نمودند

نایب رئیس - آقای محمد هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده در

موضوع لباس وطنی مستخدمین شرح مبسوطی در موافقت خودم بیان کردم موجب در این است که در صورت مجلس نوشته شده مخالف بودم یقین برایش بنده گوش نداده اند

نایب رئیس - آقای حاج میرزا اسدالله خان (اجازه)

حاج میرزا اسدالله خان - آقای سردار معظم کرسدانی را غائب بی اجازه نوشته اند آنالآن چهار پنج روز است که مریض بستری هستند

نایب رئیس - یکدانه دیگر بفرمائید

حاج میرزا اسدالله خان - مرض کردم آقای سردار معظم چهار پنج روز است مریض بستری هستند و ایشان را بی اجازه نوشته اند

نایب رئیس - اطلاع داده اند یا نه؟

آقای سید یعقوب - رئیس کمسیون مریض - آقای سردار معظم کرسدانی بر پرویز نوشتند که امروز بنده مریض هستم اجازه بدهید کمسیون هم نوبت مادامی ناخوش هستم اجازه داده شود و اگر مریض هستم هدرخان مسعود است

نایب رئیس - آقای سردار معظم (اجازه)

سردار معظم - در صورت جلسه مرض ندارم بعد از صورت مجلس توضیحاتی را که دیروز تقاضا کردم خواهم داد

نایب رئیس - کتباً مرقوم فرمائید

سردار معظم - دیروز مرض کرده ام

نایب رئیس - در صورت مجلس ایرادی نیست

(گفته شد خیر)

نایب رئیس - صورت مجلس تصویب شد

آقای سردار معظم (اجازه)

سردار معظم - دیروز آقای حاج شیخ اسدالله در ضمن فرمایشات شان یک اعتراضاتی نسبت بکمسیون فواید نامه فرمودند که گمان میکنم مورد نداشت ولی بموقع بود این را در موضوع اظهار تئیشی ولو کس بنده دوم تبه راپورتش را در همین جا عرض کردم و آقای رئیس التجار هم راجع بهمین موضوع در چند روز قبل از آقای رئیس الوزرا در همین جا رسماً سوال کردند ولی حالا برای استحضار خاطر آقای حاج شیخ اسدالله و اطلاعشان مجدداً بطور اختصار عرض میکنم

وقتی که این پیشنهاد بکمسیون فواید نامه ارجاع شد چند جلسه کمسیون فواید نامه تشکیل داد و مذاکراتی که لازم می دانست در این موضوع کاملاً بعمل آورد و این طور مقتضی دید که بایک اشخاص بصیری

هم شور کرده باشد بنا بر این تقاضا کردیم آقایان مشیرالدوله و نصرت الدوله و سردار معظم خراسانی و نمایندگان تجار و اصناف تشریف بیاورند بکمسیون و چند جلسه هم تشریف آوردند و وجود رئیس کمک را هم لازم دانسته او هم در جلسه حاضر شدند و مذاکراتی که لازم بود در این خصوص بعمل آمد و بالاخره چون باشکالاتی بر خوردند این طور مقتضی دیدند که این پیشنهاد مراجع شود بهیئت دولت و وزارت فواید نامه که در اینخصوص تحقیقات و مذاکرات عمیق نموده و بعد در تانی وزارت فواید نامه پیشنهاد کرده و بکمسیون نوشته تا کمسیون راپورت آنرا بمجلس تقدیم نمایند از آن زمان تا بحال مکرر کمسیون فواید چه بتوسط هیئت رئیسه و چه خودش مستقیماً مطالبه این راپورت را از وزارت فواید نامه کرده است ولی بدفع الوقت و مسامحه گذرانده اند و امروز فرمادی کنند و جواب هائی را که وزیر فواید نامه می گوید شاید حالا مقتضی نباشد این جا عرض کنم ولی تمویق در تقدیم راپورت بواسطه مذاکراتی است که در این خصوص در وزارت فواید نامه که در این خصوص در وزارت فواید نامه باقی و ناتمام است و هر ساقی که این پیشنهاد از طرف وزارت فواید نامه برسد کمسیون با کمال حمله و فوریت عقیده خودشان را ضمیمه کرده و راپورتش بمجلس خواهد رسید (صحیح است) ولی حالا علت این که وزارت فواید نامه چند وقتی صلاح نمی داند بفرستد ممکن است آقای حاج شیخ اسدالله از خود وزیر فواید نامه سوال و تحقیق فرماید و بسؤالی که آقای رئیس التجار در این خصوص از رئیس دولت کردند و جوابی داده نشد و موقوف بحد کردند مطلب معلوم است شاید اشکالاتی در بین هست که می خواهند رفع نمایند

نایب رئیس - البته تا کبدمی شود که وزارت فواید نامه جواب بدهد دستور جلسه بقیه مذاکرات در ماده الحاقیه قانون استخدام و قانون اعتبار نطق آقای آقا سید یعقوب در دستور فرمایشی دارید؟

آقای سید یعقوب - بنده سؤالی در مجلس دارم

نایب رئیس - باید کتباً مرقوم فرمائید که بهیتم راجع بچه مسئله است

آقای سید یعقوب - مطابق نظامنامه حق دارم و می توانم سؤال کنم

نایب رئیس - بگذارید برای بعد آقای نجات هم فرمایشی دارند

آقای میرزا محمد نجات - چون بعضی اوابج بکمسیون مبتکرات رسیده است کمسیون هم بواسطه عدم حضور بعضی اعضا نمی تواند تشکیل شود خواهشمندم مقرر بفرمائید در موقع تنفس از ضمه اول دوم بجای آقای داور و عمید الممالک دو

عضو دیگر انتخاب بشود تا کمسیون بتواند بلوایح معطله رسیدگی نماید

نایب رئیس - حجتاً تا بقیه مذاکرات دو ماده الحاقیه قانون استخدام مطرح است آقای آقا سید فاضل که موافق بودند ولی هنوز مذاکره نکردند ولی باقی اجازه ها با استثناء دوسه نفر محفوظ مانده است هر کس اجازه خواسته باید مجدداً بخواهد آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقای سید فاضل - راجع بماده الحاقیه از مخالفین این ماده یک دلیل قاطع و یک برهانی که بنده باو اظهار می نمایم و قانع شوم نشینم و تقریباً آنچه از بیانات آقایان مخالفین شنیده ام یادداشت کرده ام که درش راجع بمجلس برسانم حالا اگر آقایان دیگر باین دلایل قانع شدند مسئله دیگری است که بنده هنوز قانع نشدم یکی از محترمین آقایان در موقع مخالفت فصل مشبهی فرمودند که این ماده الحاقیه مربوط به بیج یک از فصول مواد قانون استخدام نیست و بعد از اظهار فرمودند و یکی یکی فرمودند مربوط بصل اول نیست بصل دوم نیست هکذا تا آخر و بنده گمان میکنم همین قدر که این قانون استخدام متعرض مستخدمین کشوری شد و متکفل لباس مستخدمین هم هست و خودش یک ماده مستقل است و همین قدر کفایت می کند و لازم نیست که مربوط بصل اول باشد یا بنده دهم یا بیستم همین قدر که این قانون راجع بوظائف مستخدمین کشوری است این ماده الحاقیه هم مربوط بلباس آن ها است باین مناسبت ماده مستقلی است و کافی است و لازم نیست بصل بیک کدام از این فصول باشد یا نباشد یک ماده دیگری از آقایان محترم می فرمایند این ماده عملی نیست و مجدداً یک فصل مشبهی در این خصوص که عملی نیست بیان فرمودند و گاهی اظهار می فرمایند که اگر می خواهند این ماده بگذرد و تصویب شود خوب است از وزراء و امراء گرفته بحد مستخدمین بپردازند بالاخره خوب بود اگر از همین نقطه نظر هم بود یک پیشنهاد واضح و او سعی میفرمودند و من تعجب میکنم و اگر همین ماده الحاقیه عملی نباشد بطور پیشنهاد آقای زنجانی عملی خواهد شد ؟ ! ! ! که می فرمایند هر کس از بیت المال مسلمین استفاده میکند لباسش وطنی باشد و اینکه فرمودند اگر مطلب بهتری رامی خواهید تصویب بفرمائید این پیشنهاد را تصویب کنید بنده در این خصوص هر چه کردم این ملازم این نیست که ما این ماده الحاقیه را تصویب کنیم که یکی از این بهتر است و نمی شود گفت که از یک خوب دست بردارند و چون یک خوب بهتری هست و تصویب این ماده الحاقیه با آن پیش نهادی آقای زنجانی منافاتی ندارد هم این

خوب است و هم پیشنهادی آقای زنجانی این راه تصویب می کنیم و آن راه تصویب میکنیم ابتدا منافاتی با یکدیگر ندارد آقایان دیگر هم که پیشنهاد کرده اند او راه تصویب می کنیم خلاصه شاهزاده سلیمان میرزا در ضمن بیاناتشان یک اشکالاتی از چندین نقطه نظر فرمودند من جمله یکی اینکه مبتلا خواهیم شد بتفتیش و امروز در بدو مذاکرات بیرون تشریف برده بودند

تبصره بنده عرض کرده بودم که انشاء الله بعد از اینکه مذاکرات کافی شد و تبصره بنده را خوانند محتاج باین تفتیش سکه میفرمایند سوره از دراز نخواهند شد من جمله می فرمایند از مستخدمین حسن خدمت و صنعت عمل می خواهیم نه لباس سلیمان میرزا (صحیح است)

آقا سید فاضل - بنده می گویم کمال موافقت را دارم که مستخدم دولت البته باید صحیح العمل باشد و خوب باشد اما لباس هم وطنی باشد هیچ منافاتی ندارد که دارای دوسه چیز باشد صحیح العمل باشد خوش اخلاق هم باشد لباس او هم وطنی باشد و باین شرافت ظاهری که ملیس بودن بلباس وطنی است علاوه بر شرافت علمی و عملی متضرر باشد و هیچ ضرری بجائی نخواهد داشت

یکی دیگر این که می فرمودند اگر این ماده تصویب شود یک بله خواهد شد هر مستخدمی را با این وسیله از اداره بیرون می کنند آن روز هم بنده در این خصوص عرض کردم

فلسفه برای این مطلب نیافتم زیرا اگر بنای بهانه جوئی و وسیله تراشی و خداه نکرده اعمال فرض باشد این ماده الحاقیه گناه نکرده که او را دست آویز قرار دهند این همه مواد و فصول در این قانون استخدام هست او را سر جای خود باقی می گذارند و همین ماده الحاقیه می چسبند ؟ ؟ ؟ آنقدر دیوار این ماده الحاقیه کوتاه شده است که باین وسیله ماده الحاقیه یک ماده را بیرون خواهیم کرد

اگر خدای نخواسته بخواهند دست آویز بدست آورند ماده های مهم تر را می چسبند حالا فرض میکنم که این ماده را ما تصویب کردیم دست آویز هم شد برای بیرون کردن مستخدم بازرور همین قانون یک ماده دیگری برای محکمه تدوین شده است که حفظ میکنند حقوق و حدود مستخدمین را و از این جهت که مستخدم و در اموال فرض واقع نشود بخوبی در این قانون پیش بینی شده و مصرح است که اگر ظلم و غرض دانی بی اساس بر مستخدم بشود آن ها را منظم میکنند و معاکه اداری را می خواهند و اگر محققند که حق شان به آن ها میرسد و اگر معنی نیستند مطابق ترتیبات اداری

تئیه می شوند

یک قسمت دیگر از آقایان میفرمایند که تصویب این ماده بر علیه مستخدمین است در این هم خیلی بنده تامل کردم و حقیقتاً راه تصویب می کنیم خلاصه شاهزاده سلیمان میرزا در ضمن بیاناتشان یک اشکالاتی از چندین نقطه نظر فرمودند من جمله یکی اینکه مبتلا خواهیم شد بتفتیش و امروز در بدو مذاکرات بیرون تشریف برده بودند

تبصره بنده عرض کرده بودم که انشاء الله بعد از اینکه مذاکرات کافی شد و تبصره بنده را خوانند محتاج باین تفتیش سکه میفرمایند سوره از دراز نخواهند شد من جمله می فرمایند از مستخدمین حسن خدمت و صنعت عمل می خواهیم نه لباس سلیمان میرزا (صحیح است)

آقا سید فاضل - بنده می گویم کمال موافقت را دارم که مستخدم دولت البته باید صحیح العمل باشد و خوب باشد اما لباس هم وطنی باشد هیچ منافاتی ندارد که دارای دوسه چیز باشد صحیح العمل باشد خوش اخلاق هم باشد لباس او هم وطنی باشد و باین شرافت ظاهری که ملیس بودن بلباس وطنی است علاوه بر شرافت علمی و عملی متضرر باشد و هیچ ضرری بجائی نخواهد داشت

یکی دیگر این که می فرمودند اگر این ماده تصویب شود یک بله خواهد شد هر مستخدمی را با این وسیله از اداره بیرون می کنند آن روز هم بنده در این خصوص عرض کردم

فلسفه برای این مطلب نیافتم زیرا اگر بنای بهانه جوئی و وسیله تراشی و خداه نکرده اعمال فرض باشد این ماده الحاقیه گناه نکرده که او را دست آویز قرار دهند این همه مواد و فصول در این قانون استخدام هست او را سر جای خود باقی می گذارند و همین ماده الحاقیه می چسبند ؟ ؟ ؟ آنقدر دیوار این ماده الحاقیه کوتاه شده است که باین وسیله ماده الحاقیه یک ماده را بیرون خواهیم کرد

اگر خدای نخواسته بخواهند دست آویز بدست آورند ماده های مهم تر را می چسبند حالا فرض میکنم که این ماده را ما تصویب کردیم دست آویز هم شد برای بیرون کردن مستخدم بازرور همین قانون یک ماده دیگری برای محکمه تدوین شده است که حفظ میکنند حقوق و حدود مستخدمین را و از این جهت که مستخدم و در اموال فرض واقع نشود بخوبی در این قانون پیش بینی شده و مصرح است که اگر ظلم و غرض دانی بی اساس بر مستخدم بشود آن ها را منظم میکنند و معاکه اداری را می خواهند و اگر محققند که حق شان به آن ها میرسد و اگر معنی نیستند مطابق ترتیبات اداری

خیلی ترتیبات بنده در حدود خودش می بینم مثلا ارباب صنایع مملکت صاحب تمول می شوند و آن پیرهن بچاره که پشت دوک می نشیند و پشم میرسد و یک لقمه نانی تحصیل می کند و کم کم صنایع مملکت رو بترقی میورد و ارباب صنایع تشویق میشوند و یک قدم عملی است برای اقتصاد این مملکت بنا بر این از آقایان خواهش میکنم استرحام می کنم استدعا می کنم که یک مساعدت و همراهی بفرمایند و این قدم عملی را حجتاً برای آقایان مستخدمین برداریم بمسالره

این ماده هم بعد از یک سال اجرا میشود و از اول حمل آتیه این قانون اجرامی خود و این ماده هم بعد از یکسال اجرامی خود و کم کم مستخدمین موفق میشوند که از خود وطن لباسهای خوب بخوب بخرند و این خیریه که بنده ملاحظه می کنم مرتب می شود و خواهش می کنم آقایان تصویب فرمایند و اشکالاتی هم که فرمودند نسبت باین تبصره پیش میآید اینطور نخواهد شد چرا چون تبصره لباس را معین کرده این چه اشکال و دست آویزی دارد؟ عرض کردم هفتاد و دو ماه است بیک از آنها متمسک میشود نه باین تبصره از همه آنها گذشته طور معا آه معین شده پیغود که نیست و انشاء الله از این تبصره به معذور نخواهیم رسید بلکه بمقصد میرسیم

(صحیح است)

نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو مخالفید؟

ارباب کیخسرو - بلی بلی

آقای سید فاضل - مخالفید آقای ارباب ؟

ارباب کیخسرو - بلی همانطور

که شما خجالت نکشید بدموافق شدید بنده هم خجالت نمی کشم و مخالف هستم عرض می شود در حالی که اظهار مخالفت می کنم عقیده ام را سکراراً در این مجلس عرض می کنم نمایندگان محترم راجع بر بیضه تجار و جلو گیری از اشیاء تزئینی ولو کس مرض رسانده ام گهن جامه خوش پوش پیراستن به از جامه عاریت خواستن در حالی که عقیده دارم بهتر این بود که سلاطین و بزرگان ما مثل کریم خان لباس گهنه و مندرس میپوشیدند و با شمشیر مملکت را محفوظ میداشتند در این حال چرا مخالف هستم ؟ برای ناقص بودن این قانون برای تبعیض برای اینکه بنده معتقد نیستم که مجلس شورای ملی یک قانونی وضع کند و مظلوم کش کند یا قانون بلاجر بماند بنده با این سه چیز مخالف هستم

(بعضی از نمایندگان صحیح است)

قانون نباید بلا اجرا بماند اگر چه کسانی که با عقیده ما مخالفت کردند بعقیده بنده مانند آقای آقا سید فاضل یک فرمایشاتی می کنند این قدم عملی را برداریم چون

فرمودند که بنده متأسفانه نتوانستم فرمایشات را ضبط کنم و جوابی در مقابل عرض کنم ولی بطور کلی فرمایشاتشان را بدون دلیل میدانستم در صورتی که هر یک از آقایان مخالفین ادله منطقی آوردند (صحیح است)

که بنده حقیقه در مقابل ادله مخالفین نمی توانم هیچ چیز پیدا کنم با ادله آنها برابر می کند بنده نمیخواهم مجلس شورای ملی این باب را باز کند و حق بغدوش بدهد که در زندگان مردم دخالت کرده باشد آنچه به تبعیض

(جمعی از نمایندگان صحیح است)

قانون باید بصومیت داشته باشد (صحیح است) علت ندارد همه که می آیند و استخدام دولت را قبول می کنند در تحت فشار باشند (صحیح است) ما تصور میکنم کسانی که مستخدم میشوند حقوق بشریت خود را بخواهند بیا می فروشند در صورتی که اینطور نیست یک نفر مستخدم با یک نفر تاجر هیچ فرق ندارد تاجر جنس میفروشد مستخدم وقت (صحیح است) غیر از این ما حتی بر آنها نداریم ما در صورت آنها باید از آن ها کار بخواهیم و حق دیگری بر آنها نداریم (صحیح است) این است که بنده نمیخواهم مجلس شورای ملی تبعیض را قائل شود (صحیح است) و دخالت در زندگان شخصی مردم بکنند (صحیح است) و یک دسته سکه فردا میآیند استخدام دولت را قبول کنند از حقوق بشری خود را معروض کنند (صحیح است) بنده در حالیکه مردم میل دارند و البته حق آقایان بود که این اظهار را بکنند عرض میکنم که ما باید عقب این آیه شریفه برویم

الناس علی دین ملو کم هم بعضی از نمایندگان آیه نیست

ارباب کیخسرو - خوب هر چیزی هست که عبارت دیگر هم هست که میفرمایند الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم مادر زندگان آنها نمی توانیم و نباید دخالت کنیم که فردا هم دخالت کنیم و بگوئیم شما حق ندارید در درشکه بنشینید یا درواگون بنشینید چون مال خارجه است یا لوازم التحریر نباید استعمال کنید چون مال خارجه است؟

فندم مال خارجه است چائی هم مان خارجه است پس چرا این اختصاص را برای مستخدمین قائل می شویم در صورتی که ما هر چه می کنیم باید متعلق بموم باشد و به تبعیض نباید قائل شویم بنا بر این بنده مستخدم در عرض این پیشنهاد یک قدری مساعدت کنیم و در پیشنهادی که تجارت تقدیم کرده اند و استدعا کرده اند از اشخاص تقنینی که بملکت میآید جلو گیری خود سعی کنیم و جدیت بخرج دهیم زیرا بعقیده بنده همانطور که آنها پیشنهاد کرده اند چیزی که موجب خانه خرابی ما شده است همان اشخاص تقنینی است که قیمتش زیاد است و لازم هم نیست و باستی

از آنها جلو گیری بشود و در صورتی که بنا باشد این مسئله قبول شود بنده بیشتر با پیشنهاد آقای زنجانی موافق هستم تا این پیشنهاد

(جمعی گفتند کافی است و بعضی گفتند کافی است)

نایب رئیس رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایان که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمائید (عده قلبی قیام نمودند)

نایب رئیس - معلوم می شود کافی نیست آقای حاج میرزا مرتضی موافقت؟

حاج میرزا مرتضی - بلی

نایب رئیس - بفرمائید

حاج میرزا مرتضی - البته آقایان مخالفین هم موافق هستند در اینکه این مسئله یک فواید بزرگی برای اقتصاد مملکت دارد و گمان نمی کنم که هیچ یک از آقایان با این قسمت مخالف باشند که اگر ما بتوانیم هر قدر از ملیوس خودمان را از پارچه های وطنی اختیار کنیم یک خدمت بزرگی با اقتصاد مملکت خودمان نموده ایم و تقریباً احتیاج خودمان را از خارجه معذور کرده ایم در اینجا

آقایان مخالفین ادله بیان کردند که قسمت عده آنرا شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند اولاً فرمودند این مسئله مربوط بقانون استخدام نیست بنده عرض می کنم این مسئله کاملاً مربوط بقانون استخدام است بجهت اینکه دولت یک مستخدمی را استخدام می کند برای کار کردن همانطوریکه با شرطی می کند که باستی دارای چند معلومات باشد مثلاً م کلاس متوسطه را طی کرده باشند یا اینکه سنش چقدر باشد متاد با بیون نباشد معروف باعمال بد نباشد همانطور هم می تواند شرط کند مستخدم من باید ملیس بلباس وطنی باشد و از این جهت کاملاً مربوط بقانون استخدام است

ملا دولت شرط می کند مستخدمیکه من میخواهم باید لباسش بلند باشد یا کوتاه باشد هیچ جا هم ضرری وارد نمی آورد تا بنیاً فرمودند که پارچه وطنی کفایت در این یافت نمیشود این هم اشتباه بزرگی است زیرا تا بحال چون نمی خریدند پارچه وطنی هم کم بود زیرا ما چیزی را که می خریم مثل حبایا چیزهایی که تا کنون مرسوم بوده است در این مملکت خرید و فروش میشود یک اجناسی است که هر کدام دوسه تا داریم

زیاد است

ثالثاً فرمودند این کار مخالف با آزادی اشخاص است یعنی چه اگر مقصود این است که اجبار است پس هر شرطی که شما در قانون استخدام می نویسد مخالف با آزادی

اهتمام است و آزادی را محدود می کند اینهم مثل سایر شرایط است و مخالف با آزادی نیست .

ربما فرمودند که برای تقبیل آن یک اسباب زحمتی است و هر روز میگویند چون تو لباس وطنی نداری باید بیرون بروی پس دوسایر کارهای اداره هم منبسط است مثلا میگویند چون تودر فلاندرسه تحصیل نکرده یا فلان کار که عهدمدار بودی نکرده ای باید از اداره بیرون بروی وقتی شما یک معکبه قرار دادید برای اینکه بشکایات رسیدگی کنید دیگر اشکالی ندارد که بگویند چون تو لباس وطنی نداری بیرون برو این هم مثل سایر چیزهاست مثلا میگویند تو فوری هستی باید معاکبه شوی اگر لباس هم وطنی باشد آنرا هم معاکبه می کنند و معلوم می شود پس این هم دلیل نشد . خوب است از یک کاری که برای مملکت منافع دارد دست بردارید آقای ارباب فرمودند این مسئله یک مسئله است که تبعیض می شود و مظلوم کشی است بنده عرض می کنم تبعیض نیست عجاتاً ما می گوئیم در این قانون برای مستخدم خود شرط کند که ملبس بلباس وطنی باشد بعد هم شما اگر یک لایحه پیشنهاد کنید که اعضاء مستخدمین مجلس یا وکلای آن این لباس را بپوشند و بتدریج اینکار درست می شود لازم نیست یکمرتبه تمام مملکت بگویند که حتماً باید ملبس باین لباس باشید کما اینکه اهل نظام هم ملبس باین لباس است خوب است مستخدمین ادارات هم همینطور باشند و از حیث قیمت هم خیلی ارزان تر تمام می شود حالا که نیویوشند بواسطه رقابت هائی است که در بین هست .

مثلا یکی پالتوی ماهوت میپوشد دیگری می گوید من هرگز نپروم برک ارزان بیوشم میروم ماهوت می پوشم باینکه خجالت می کشد ولی وقتی که عمومی شد همشان میپوشند مسئله دیگری که آقای ارباب فرمودند این است که فرمودند اناناس سلطان ملی اموالهم و انتسهم این درجای خودش صحیح است و اینجا دولت می گوید یک مستخدمی می خواهم که ملبس بلباس وطنی باشد و شما را مجبور نمی کند کما اینکه هیچکس شما را مجبور نمی کند کما اینکه اگر کسی شش بیست سال نیست مجبور نمی کند او را که برود اینکار را بکند و انگهی منافی با اجبار نیست الاجبار و الاختیار لایقانی ممکن است کسیرا ولو اینکه اول دولت بگوید من یک همچنین مستخدمی می خواهم که ملبس باین لباس باشد اگر چه این اجبار است ولی آنرا قبول میکنند سایر آقایان دیگر از قبیل آقای رفعت الدوله میفرمودند نوحه خوانند و نکرده کردند برای مستخدمین بیچاره که سی تومان حقوق دارند این بره

مستخدم است لباس وطنی خیلی ارزان است و مستخدمین که حقوق شان سی تومان پنجاه تومان دویست تومان یا صد تومان باشد هم داریم و این لباس هم خیلی ارزان تمام میشود بقیه بنده این مسئله یکی از قدمهای بسیار خوبی است که ما می خواهیم در این دوره برداریم خوب است که تمام آقایان از روی میل و جدیت این ماده را بگذرانند تا اینکه مسئله اقتصاد ما رو بترقی برود

آقای ارباب فرمودند که تجار یک پیشنهادی کرده اند بنده عرض می کنم کسی با پیشنهاد تجار مخالف نیست هر وقت آن پیشنهاد را آورند با کمال میل و شفقت به آن راه می دهیم حالا ما اینکار اقتصادی را نکنیم و بگذرانیم تا آن پیشنهاد بیاید اینکه دلیل نشد

بنده عقیده دارم که آقایان قدری اظهار لطف بفرمایند و این ماده بایک نظر التفاتی بگذرانند و یکتکم جدی است که مجلس برمی دارد و سالهای سال نام نیک برای مجلس دوره چهارم باقی میماند

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقت .

آقای آقا سید یعقوب - بلی

نایب رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب بنده موافقت

نایب رئیس - آقای کازرونی

آقا میرزا علی کازرونی - بنده موافقت .

نایب رئیس - آقای ملک الشمره

چطور .

ملک الشمره - بنده موافقت

نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای فتح الله

فتح الدوله - بنده مخالفم

نایب رئیس - بفرمائید

فتح الدوله - همانطوریکه حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا عنوان فرمودند بنده این پیشنهاد را قاطعاً بشوخ زویکت تر می دانم بنده تعجب می کنم چطور ما اینجا می نشینیم و مدتی وقت مجلس را مصرف می کنیم و آنوقت بایک ترتیبی می خواهیم یک قانونی بنویسیم در صورتی که این مسائل قانونی نیست اینها یک مسائل احساسی است هیچ مربوط بقانون استخدام نیست البته مردم هر وقت احساسات شان زیادتر بشود و وسایل در مملکت بیشتر فراهم شود خود مردم بالطبع با رفعت و میل ملیوس وطنی برای خود اختیاری کنند ولی ما مقدمات یک کاری را فراهم نکرده احساسات را با قانون مخلوط می کنیم این است که بنده تصور می کنم اگر این قانون را هم مجلس

تصویب کند عملی نمی شود یعنی قابل این نیست که عملی شود همانطور که آقای ارباب فرمودند این تبعیض خیلی فریب است کما بیائیم بگوئیم چند نفر مستخدم می پذیریم و این چند نفر مستخدم حتماً باید ملیوس وطنی بپوشند ولی سایر مردم آزاد باشند اگر قانون می گذرانید باید طوری باشد که شامل همه باشد والا برای یکدسته مخصوص قانون بنویسیم هیچ مناسب نیست در قانون استخدام طرز خدمت مستخدمین را معین می کنند و هیچ مربوط نیست که ما برای خانه مستخدمین تکلیف معین کنیم که شما درخانه فلان کار را بکنید یا فلان لباس را بپوشید یا فلان چیز را بخورید به آن راه می دهیم حالا ما اینکار کسان را باید چطور باشد ما از مستخدم خدمت می خواهیم و باید در ضمن قانون استخدام معین کنیم که باینطور باید در فلان اداره خدمت کنید حالا درخانه اش چه می خورد و با چه می پوشد بما چه مربوط است بنده تعجب می کنم که این مسئله پنج روز مذاکره اش در مجلس طول می کشد ما باید قانون بنویسیم چکار داریم باینکه فلان مستخدم چطور امورات خانه اش را مرتب می کند بملازمه در موقع قانونگذاری بنده تصور می کنم با اوضاع این مملکت و با سابقه باخلاق وزراء این مملکت تا وقتی می خواهیم قانون بنویسیم هر چه دست و پای دزد را ببندیم بهتر است نه اینکه دست و پای آنها را باز کنیم واقعا - حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا خوب فرمودند اگر چنانچه یک وزیر بیاید در وزارت خانه و بگوید فلان آدم لباس وطنی نپوشیده است یا فلان جورا بش را که از زیر شلوار دیدم وطنی نیست باید این آدم از اداره بیرون برود و یکی دیگر بجای او بیاید بنا بر این یک خرج و مرجی در ادارات تولید می شود بنده عقیده ام این است که باید دست و پای وزراء بسته باشد اما که در این قانونی را که می نویسیم ببینید ادارات ما چه می شود هر روز یک گروهائی را بدون تغییر خارج و یک گروهائی را داخل می کنند حالا یک چنین مستمسکی را بدست یک وزیر بدیم خدا می داند که چکار می کنند خوب است که ما مسائل واحساسات را داخل قانون نکنیم و این قانون را هم از بین ببریم و این ماده یک سد بزرگی است جلوی اجرای قانون استخدام و اگر این ماده بگذرد قانون استخدام اجرایی خود یک مطلبی که در چند سال قبل از روی احساسات من یادم هست که اینجا یک بایکوتی گفتند بکنید و چندی جای را با کشمش بخورید یادم هست کشمش سیری یکشاهی سیری نهصد یار شد حالا هم چون وسائل بقدری نیست که تمام وسایل مملکت

را فراهم کند حکایات ملیوس وطنی هم همین طور می شود یعنی لباسهای وطنی گران می شود وقتی که گران شد بنده میباید برک سه تومانی را سی تومان بخرم احساسات یک چیز دیگری است و اگر چنانچه بفرمائید جلو گیری کنید واقعا پیشنهاد تجار را بیاورید و سعی کنید که اشیاء لوکس را ببنده با این تبصره بکنی مخالف هستم و تبصره را عملی نمی دانم و یک سدی جلوی قانون استخدام می دانم بهترین است که آقایان موافقین هم همراهی کنند و اگر می خواهند که این مسئله بیشتر کند همان تبصره را که آقای زنجانی پیشنهاد فرمودند و یک تبصره خوبی است که دیگر ایرانی بار وارد نمی شود کرد قبول کنند عقیده بنده این است که این تبصره از دستور خارج بشود و بهمان قانون استخدام رأی بدیم بعد در خارج موافق و مخالف با هم می نشینیم و یک طرز عملی فکری کنیم و یک ماده واحد تهیه می کنیم و از مجلس می گذرانیم والا اگر بخواهیم آن تبصره را جزء قانون استخدام بکنیم بهیچوجه عملی نخواهد بود و ربطی هم بقانون استخدام ندارد .

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد کردم مذاکرات کافی است که تکرار ادله طرفین نشود ولی آقایان موافقت نکردند چون موافقت ننمودند بنده ادله دیگری پیدا کردم اولاً اینکه آقای فتح الدوله فرمودند وقت مجلس ضایع می شود بنده تعجب می کنم بهترین وقت مجلس این است که ما یک قدمی برداریم برای این مملکت بد بخت فلنکرده که در همه چیزمان باید از روی اختیار خودمان دستمان را با جانب دراز کنیم اگر همه ما از روی یکدل ترتیبی فکری برای اینکار بکنیم که بتوانیم رفع احتیاج خودمان را بکنیم وقت از این بهتر چه چیز است فصل دوم قانون اساسی می نویسد که نمایندگان ملت نماینده قاطبه اهالی هستند که در امور معاشی و سیاسی آنها باید صحبت کنند و بنده مأمورم که در این مسئله صحبت نمایم و ابتدا مأمور نیستم مادام که اصلاح حال خود را نکرده ایم قدم بالاتر بگذاریم اینک آقای فتح الدوله فرمودند وقت مجلس تلف می شود بنده گمان می کنم بهترین وقت برای مجلس این است که ما موفق شویم یک قدم رو با اقتصاد برویم اما راجع بفرمایشات شاهزاده سلیمان میرزا که مکرر می گویند من طرفدار کارگر و رنجبر و فقرا هستم آقا این قدم یک قدمی است که می توانم کارگر را ترقی بدیم بهین قدم می توانیم هزاران کارگر کاشان و یزد و کرمان که از نان خوردن افتاده اند و از وطن آواره شده اند با وطن خودشان عهدت

بدهیم و صاحب ثروت و زندقانی کنیم ما می توانیم بواسطه این مسئله ملت ایران را متوجه نائیم لباسهای وطنی خود را بپوشند و لوازم آنها را بخرند و برک درخت باشد اگر شما تذکره وزارت خارجه را ملاحظه کنید خواهید دید سالی چقدر از رهای بدبخت ایران مهاجرت بخارجه می کنند برای اینکه در این مملکت باین مرض و طول کار نیست و با بیست و پنج کروڑ پاسی کروڑ نفوس نمی توانیم زندگانی خود را اداره کنیم برای اینکه تمام ما نظر بر اینست که این مسئله را لااقل لایس و کفش خودمان را بپوشیم حتماً باید کفش چغتی ۲۰ تومان و ۱۵ تومان ۱۲ تومان بیاوریم دیگر چیزی در خانه نداشته ایم ما باقی نمانده باین ترتیب که ما زندگانی می کنیم دهسال دیگر هم باید خاک مملکت خودمان را درازاه اشیاء تجملی و ترفنی گذر امروز زندگانی ما مدخلیت ندارد تقدیم کنیم ما باید بکروزی بالاخره بیدار شویم با هم و بفکر از بین برداشتن این سد بیفتیم و بهمانیم که تمام ما ما دارای لباس ایرانی هستیم و از دسترنج اهالی ایران لباس می پوشیم مثلاً همانطور که آقای حاج میرزا مرتضی فرمودند عبارات توجیه شده است و بهایای نازک و لطیف خیلی خوب بافته می شود که حتی اجانب هم متوجه باو شده اند برای اینکه یک چیزی است که طرف احتیاج شده است و در مقام خودش حاجت خلافت دارد و خودش ایجاد می کند وقتی که اهالی یک کشوری دیدند مستخدمین البسه وطنی استعمال کردند آنها هم می کنند و بنده مخالف آقای زنجانی نیستم و البته باید این حسن را در شاه و وزاء و علماء و و کلاهم ایجاد کنیم یک مسئله هم آقای ارباب کیخسرو فرمودند برای جواب ایشان همان طور که آقای سهام - السلطان یک روزی فرمودند عرض می کنم این قانون یک قراردادی است بین دولت و مستخدمین و حکم اجباری نیست بنده مستخدم می گویم و ماهی ۲۰ تومان باو میدهم بشرط آنکه لباس وطنی بپوشد بنا بر این اجباری در بین نیست یک قرارداد عملی است و می گوید مطابق ۷۷ فصل این قانون من مستخدم می گویم وقتی مستخدم با اختیار خودش قبول کرد اجبار نیست آقایان تمام تصدیق دارند که مواد خام در ایران زیاد است پشم و پنبه ابریشم و غیره مواد خامی هستند که بیک قیمت ارزانی از ما می خرند و بیک قیمت گران می فروشد می توانیم عرض کنیم که ابریشم را از ما یکمن سه تومان ۴ تومان میخرند و یکمن ششصد تومان بما میفروهند وقتی ما می بینیم این مواد خام دیگر مصرف ندارد با یک گمرک کمی از طرف شمال و جنوب خارج می شود و ما با این گمرک و خروج مواد خام باین روز سیاه

افتاده ایم و هنوز دست از آن مقام عالی بر نمیداریم اگر ما قدری توجه به مواد خام مملکت از قبیل پشم و پنبه و ابریشم بکنیم بقدری لطیف و خوب بافته میشود که بهتر از منسوجات ممالک دیگر خواهد شد ملاحظه می فرمائید این لباسهای ابریشمی که طرف رشت و مازندران بافته میشود چقدر لطیف و ظریف است معذرت اگر قدری بیشتر مردم با توجه کنند بدرجات بهتر و لطیفتر خواهد شد مثلاً آقای فتح الدوله فرمودند کشمش در موقع چائی خوردن فلان طور شد اما در آنوقت عمومی نبود کسی توجه نمی کرد اما وقتی که بموجب قانون اینکار واقع شد و مردم متوجه فواید او شدند کارگر زیاد و لباس وطنی فراوان می شود و این پشمها و مواد خام ما بی مصرف نمی ماند سابقاً وقتی ما مدرسه بودیم می گفتند امیراطور زایون گفت تا کفش در مملکت من پیدا نشود نمی پوشم تمام وزراء و علماء آنها گفتند تا در مملکت پیدا نشود مجال است دست بخارجه دراز کنیم اگر آنها دروغ بود چرا گفتیم و اگر راست بود چرا اقدام نمی کنیم همینطور در بنگاله که یک شهر عظیمی است نمی پوشند همان لباس کشمش خودشان را که با ناخن خود و انگشت های خودشان می بافند می پوشند و افتخار می کنند که مملکت خودشان را از اجانب حفظ کرده اند بنده می خواهم عرض کنم باید این حسن و ادراک اولی الامر کز نقل سیاست این مملکت که مجلس شورای ملی است بیرون برود و مردم متوجه شوند مخصوصاً شاهزاده سلیمان میرزا که همیشه متوجه مصالح ملت هستند با بنده مخالف میشوند و می گویند طرفدار کارگر و رنجبر هستم و باید بیشتر در این باب جدیت داشته باشند نه اینکه امروز بگویند خیر طرفدار اتومبیل و لباس خوب باید بود

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است)

مخیر - آقایان موافقین و مخالفین هر دو بکلی از مقصود دورند کسی نمیگوید ترویج البسه وطنی نکنید و لباس وطنی نیوشید و رفع حاجت نکنید همه می گویند باید رفع حاجت ما از خارجه از هر جهت بشود حالا یکی را بکنند و دوتارا نکنند خارج از فلسفه است ما از هر حیث محتاجیم دواهاو کاغذ و کتاب ما از خارجه است باید رفع تمام آنها برسد

(آقایان بکنیم البته لباس وطنی هم بیوشیم اما این دامی بر این نیست که تنها بیست ملیون اهالی مملکت ایران پنج هزار نفر لباس وطنی بپوشند آن طوری که بنده پیشنهاد کردم اول خودشان بپوشند یعنی اول وزراء و درباریان را محدود کنید بعد تمام مستخدمین کشوری و لشگری و اگر میتوانند تمام مردم را مجبور کردن این است که کارخانه ایجاد بکنند و کار خوب بکنند مردم رغبت کنند و بگویند

ارزان قیمت و فراوان است می خرند و می پوشند این قانون وضع کردن نمی خواهد می خواهید قانون برای یک قسمت وضع کنید آنها تنها اثبات و ضابط این معقول نیست یک ترتیب و رویه می خواهد و باید منطقی داشته باشد می خواهید قانون وضع کنید بنده یک ماده پیشنهاد می کنم که این ها چون مستخدمند خودش و جوجه نخورند چرا نخورند ؟ چون مستخدم هستند ؟ در قانون استخدام شرط بکنند جوجه نخورند لفل استعمال نکنند زیرا از خارج میاید این هم حرف شد ؟ چه ربطی بقانون استخدام دارد فرضاً اگر می خواهید یک چنین ماده برای مملکت یا برای کسانی که از مالیه دولت پول می گیرند وضع کنید پیشنهاد بنده را تصویب کنید که برای همه شده باشد والا برای این ماده معهود فایده ندارد که فردا مستخدمین دولت وثبات و ضابط را کتک بزنند و بگویند پدر سوخته فلان چیز فلانطور شده ایران راتنها آنها می خواهند ؟ لباس وطنی را آنها بپوشند فردا کاغذ و دوات دیسگران را با آنها بدهند بپوشند وقتی هم ناخوش شدند دوات دیگران را بخورند اما فقط مجبور باشند لباس شانرا از البسه وطنی تهیه نمایند اگر مملکت را می خواهید درست کنید راه دیگری دارد ده نفر لباس وطنی بپوشند مملکت درست نمیشود خیلی هم با اشتغال می گویند آدم باید مملکت را بترویج لباس وطنی درست کند اما اینطور که فقط ده نفر مستخدم لباس وطنی بپوشند ؟ درست کردن این است ؟ اگر می خواهید قانون وضع کنید باید عمومی باشد و اگر نمی خواهید هیچ نکنید

نایب رئیس - مشکل تر این است که در این ماده الحاقیه ۲۷ نفر اجازه خواسته اند و کل واحد عقیده شان این است که اول هستند لهذا آقایان اگر مذاکرات را کافی میدانند رأی بکنیم (بعضی گفتند کافی نیست)

نایب رئیس - عرض کردم بیست و هفت نفر اجازه خواسته اند و این محال است که نوبت بتام آنها برسد

تدین - عقیده کل واحد این طور نیست .

نایب رئیس - چرا همه می نویسند ما اولیم .

آقایان بکنند موافقت که مذاکرات کافی است قیام بفرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - معلوم میشود کافی است پیشنهادات را بخوانید (آقای مستشار السلطنه پیشنهادات را بضمون ذیل قرائت نمودند)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ذیل بقانون استخدام ضمیمه شود

ماده الحاقیه - مستخدمین کشوری و همچنین وزراء و معاونین آنها و اجزای درباری و و کلاهم

مجلس مقدس و انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی و کلیه مستخدمین لشگری از انماه و تا باین مکلفند بعد از مدت یکسال از تاریخ تصویب این قانون البسه وطنی بپوشند و تخلف از این قانون مستلزم مجازاتی است که نظامنامه های داخلی ادارات مذکور معین خواهد کرد

م . ع . ک . کازرونی

بنده پیشنهاد می کنم ماده الحاقیه از قرار ذیل تصویب شود

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون بعد از یکسال نمایندگان ملت و عموم وزراء و معاونین آنها و ولایات و فضاة مکلف هستند بر طبق نظامنامه های مخصوصه در موقع کار در ادارات رسمی از منسوجات و مصنوعات وطنی ملبس باشند (عبدالله مستند السلطنه)

(هاهم آفتابانی)

بنده پیشنهاد می کنم ماده ذیل به قانون استخدام اضافه شود

کلیه مستخدمین دولت اهم از وزراء و غیر وزراء و وکلای مجلس شورای ملی مکلفند تمام لباسهای خود را حتی کفش و کلاه و عمامه از منسوجات و مصنوعات وطنی قرار دهند .

(شیخ اسدالله محلاتی)

بنده پیشنهاد می کنم تبصره ذیل به ماده الحاقی ملحق شود

تبصره - مقصود از لباس کلاه و کفش و شلوار و جاپا و لباد و قبا و آنچه بجای لباد و قبا است می باشد

(سید فاضل کاشانی)

گمان می کند علی الاصول اختلافی در عقاید نمایندگان محترم نباشد که منسوجات ایرانی ترویج شود متنها در اجرای مقصود اختلافاتی پیش آمده بنده پیشنهاد می نمایم برای استعمال منسوجات داخله برای تشویق صدی پنج از حقوق علاوه منظور شود یقین دارد از راه تشویق بهتر موفقیت حاصل خواهد شد (قوام الدوله)

نظر باهیت مسئله اقتصاد که امروز از هر چیز برای مملکت الزم است لهذا پیشنهاد می کنم که طایقات که تماماً از خزانه دولت حقوق می گیرند بدون استثناء باید ملبس بلباس وطنی باشند

(حسن الحسینی الله کاشانی)

نایب رئیس - پیشنهادی دیگر هم هست که گویا مقدم باشد (بتربیل ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم بر گردد به کمیسیون و وقت نظری تا ناپا بشود بر گردد به مجلس .

(دست قیاب)

نایب رئیس - آقایان باین پیشنهادی که آقای دست قیب فرموده اند موافق هستند یا نه ؟
(بعضی گفتند خیر)
نایب رئیس - آقای سلیمان میرزا دو این باب فرمایشی دارید ؟
سلیمان میرزا - بلی
دست قیب - بنده هنوز توضیح نداده ام .

نایب رئیس - توضیح بدهید **دست قیب -** موافقین و مخالفین مذاکرات زیادی کردند بعضی عقیده شان این بود که این مسئله حتماً باید جزو قانون استخدام باشد مثل خود بنده ولی بایک اصلاحاتی و بعضی عقیده شان این بود که از قانون استخدام خارج شود و هر دو دسته از عقیده شان بر نمی گردند این دو عقیده هم بر سر دو اصل اصطلاحات پیدا کرده یکی مسئله عملی نبودن و یکی اجبار و یکی تبعیض است اما راجع بعملی نبودن شاید با پیشنهادی که آقای قوام الدوله کرده اند به کمیسیون برود و در آن مطالعه و دقت کنند و راه عملی پیشنهاد کنند و راجع به تبعیض هم عقیده بنده این است که وزراء و معاونین و رؤسای کابینه را هم داخل در مستخدمین بکنند که جزو این قانون بشوند آنطوریکه آقای زنجانی فرمودند قدری عمومیتش بیشتر شود تا اشخاصی که بذهن شان ناگوار میاید عقیده شان بر گردد و این هم در کمیسیون ممکن است حل شود و اما راجع با اجبار شاید بعضی توضیحاتی داشته باشند که در مجلس نمی شود گفت یا مجال نگردد اند بگویند این است که بنده پیشنهاد کردم به کمیسیون برود و موافقین مخالفین هم در آنجا بروند و حرفهای خودشانرا بزنند پس از آنکه اصلاح شد مجدداً بمجلس بیاید و تصویب شود

نایب رئیس آقای مساوات (اجازه)

مساوات - بنده در این پیشنهاد مرضی ندارم در پیشنهاد اولی اجازه خواسته بودم
نایب رئیس - آقای سلیمان میرزا

(اجازه)
سلیمان میرزا - اعضای کمیسیون در ارجاع به کمیسیون کاملاً مخالفند زیرا مکرر در کمیسیون مذاکره شده و رأی شش نفر اعضای آن معلوم است در صورتی که کاملاً موافقند همه مردم استعمال مصنوعات و منسوجات مملکت خود را بر هر چیزی مقدم بدانند اما این را مربوط به قانون استخدام نمیدانند و اگر بعد از مذاکرات دو سه جلسه آقایان اصل قضیه را می خواهند ممکن است بعنوان يك ماده واحده مستقلاً رأی بدهند و عمومیت هم داشته باشد کمان

می کنم آقایانی که موافقند معنی را میخواهند نه ضمیمه قانون استخدام را و تکیه مسئله عمومیت پیدا کرد شامل مستخدمین هم میشود بنابراین اگر این ماده مجدداً به کمیسیون برگردد تصور می کنم کمیسیون غیر از این چیزی نگوید که راجع بقانون استخدام نیست و باید عمومیت داشته باشد دو روز است وقت مجلس را اشغال کرده است و هر کس هر صحبتی می خواسته در این موضوع کرده است باز بکمیسیون برود و مجدداً بمجلس برگردد باز همان مذاکرات تکرار می شود و یکی دو روز دیگر وقت مجلس را می گیرد بنابراین خوب است این را بعنوان ماده واحده رأی بگیرند اما اگر می خواهند به قانون استخدام ملحق شود مخالفین در عقیده خود باقی هستند ولی البته حاکم اکثریت مجلس است

نایب رئیس - بناه علیه باید به پیشنهاد آقای دست قیب رأی بگیریم آقایانی که با پیشنهاد آقای دست قیب موافقت یعنی بکمیسیون برگردد ثانیاً به مجلس بیاید قیام بفرمائید (عده قلیلی قیام نمودند)
نایب رئیس - قابل توجه نشد (دو فقره پیشنهاد دیگر بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که مواد پیشنهادی آقایان و ماده العاقیه که مطرح است از قانون استخدام خارج شده تمام آن ها به کمیسیون ارجاع شود تا يك ماده مستقلة جامع الاطراف تهیه نموده بمجلس تقدیم نمایند (سید محمد تدین)
بنده پیشنهاد می کنم که این ماده از قانون استخدام خارج شده و بکمیسیون فوائد عامه رجوع شود تا در موضوع ترویج اتمه وطنی مطالبات جامعی شده و ماده واحده پیشنهاد گردد

(علی اکبر داور)
نایب رئیس - ظاهراً اختلاف این دو پیشنهاد را تعیین کمیسیون است گویا پیشنهاد حضرتعالی (خطاب به آقای تدین) ظاهرش ارجاع بهمین کمیسیون استخدام است حالا توضیحات خودتان را بفرمائید

تدین - بنده نظر بکمیسیون مخصوص ندارم کمیسیون مبتکرات باشد یا کمیسیون استخدام این بسته است به تعیین خود بمجلس و قبول کردن کمیسیون استخدام ولسی نظر خودم این است که تمام مذاکراتی که در این دوروزه شده اساساً راجع باین است که این ماده العاقیه مربوط بقانون استخدام نیست ولی در اصولش گویا با يك جرح و تعدیلی هم موافق باشند و برای اینکه موافقت کاملی حاصل شده باشد بنده اینطور عقیده دارم که این ماده العاقیه از قانون استخدام مجزا بشود و پیشنهادهایی هم که

آقایان امروز کردند و قرائت شد با همان ماده العاقیه بکمیسیون مربوطه ارجاع شود حالا بسته است بنظر آقایان که کمیسیون استخدام را قبول کنند یا کمیسیون دیگری را بنده نظر خاصی ندارم

محمد هاشم میرزا - وقتی که مربوط بقانون استخدام نباشد ارجاع آن بکمیسیون استخدام مورد ندارد

قلندین - تصور می کنم بعد از آنکه خود بنده عرض کردم نظر خاصی ندارم و تکرار هم کردم اعتراضات آهسته و پواش هم مورد نداشته باشد بنابراین خوب است بکمیسیون مربوطه ارجاع شود و در آنجا تحت مطالعه بیاید يك ماده واحده جامع - الاطرافی تهیه نموده و تقدیم مجلس شورای ملی کنند تا بالاتفاق رأی داده شود

نایب رئیس - (خطاب به آقای داور) چون سر کار تعیین کمیسیون راه فرموده اید اگر توضیحاتی دارید بفرمائید

قلندین - بنده با پیشنهاد ایشان هم موافقم .
داور - يك قسمت از توضیحات بنده را آقای تدین فرمودند بنده این را مربوط بقانون استخدام نمی دانم و اگر بکمیسیون رجوع شود هم کمیسیون تغییر رأی می دهد و هم قانون بتأخیر می افتد و باز این مذاکرات در مجلس تکرار خواهد شد ولی اساساً همه متفق هستیم که يك طریق و ترتیبی در نظر گرفته شود که اتمه ایرانی ترویج شود منتها اختلاف نظر در این است که به چه ترتیب باید اینکار بشود جزو قانون استخدام بشود یا بترتیب دیگری انجام پیدا کند بنده با ضمیمه بقانون استخدام مخالف بودم ولی اجازه داده نشد و حالاً هم عقیده دارم که این ماده با پیشنهاداتی که شده است بکمیسیون فوائد عامه برود و در آنجا مذاکرات جامعی می کنند و وسائل و عواملی را که برای ترویج اتمه وطنی لازم است در نظر بگیرند و يك ماده واحده در این خصوص پیشنهاد کنند .

نایب رئیس - آقای تدین هم قبول فرمودند که بهمان کمیسیون برگردد

تدین - بنده هم موافق هستم .
نایب رئیس - آقای داور هم نوبت نرسید نه اینکه اجازه داده نشد بنا علیه اما معین فرمودند بکمیسیون فوائد عامه برگردد رأی می گیریم پیشنهاد آقایان داور و تدین که برگردد بکمیسیون فوائد عامه یا پیشنهادها و در حقیقت معنی اش این است از قانون استخدام جدا شود و بکمیسیون فوائد عامه برود و در این پیشنهادات نظری کنند و ثانیاً بمجلس برگردد آقایانی که با این ترتیب موافقت قیام بفرمائید (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد .
می گیریم موارد در کلیات بشویم یا نه ؟ (بعضی از نمایندگان - رأی لازم نیست)

شیخ الاسلام - آقا ماده العاقیه را بفرمائید قرائت نمایند (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده العاقیه - تا زمانی که مدارس متوسطه درهر ایالت یا ولایت تأسیس نشده برای استخدام دولت تا مشبکی اولی تحصیلات ابتدائی کافی است

شیخ الاسلام اصفهانی
نایب رئیس - توضیح بفرمائید

شیخ الاسلام اصفهانی - عرض می شود در این قانون یکی از شرایط استخدام دولت را تصدیق نامه تحصیلات ۲ ساله متوسطه باشد قرار داده اند و فعلاً در اغلب ولایات بلکه ایالات مدرسه متوسطه نیست و مطابق این ماده محصلین ایالات و ولایاتی که فعلاً مدرسه متوسطه ندارند از استخدام دولت محروم هستند و این بنظر بنده صحیح نیست و علاوه بر محروم شدن یک دسته از استخدام دولت اسباب دلسردی آنها از تحصیل میشود دیروز هم به حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا عرض کردم ایشان يك توضیحی دادند که بنده هر چه در او دقت کردم متقاعد نشدم ایشان فرمودند فقط مدرسه متوسطه مدخلیت ندارد و ما شرط کردیم اگر يك تحصیلاتی مطابق آن داشته باشند ولو این که در مدرسه متوسطه تحصیل نکرده باشند کافی است اولاً هجارت طور دیگری است چون ایشان می فرمودند مثلاً اگر علم فقه داردمی اقتدر مقابل جنرالی یا چیزهای دیگر سه ساله متوسطه و قبول میشود و این شخص باید برود در عدلیه ولی در این ماده تصریح دارد که باید دارای تصدیق یا تحصیلات سه ساله متوسطه باشد یا مطابق مواد دستور متوسطه امتحان بدهد بر فرض هم که این هجارت اصلاح شود باید تکرار کدام عقیده خودم را که محصلین ایالات و ولایاتی که مدرسه متوسطه ندارند آنها از استخدام دولتی محروم میشوند معصلی که ۶ ساله ابتدائی را طی کرده است در ولایات خودش حق دارد داخل استخدام دولتی شود آنوقت میباید يك چیزهایی مطابق سه ساله متوسطه از او امتحان می خواهند او هم که تحصیل نکرده و بنده می بینم يك زمزمه فیما بین بعضی و کلای ولایات است که اگر این مطلب اصلاح نشود مادر کلیات این قانون رأی نمی دهیم و دانسته و فهمیده محصلین ولایات را در نتیجه از تحصیل مأیوس و دل سرد خواهیم کرد ولو این که با استخدام دولت موفق نشوند با يك دلگرمی داخل این مدارس می شوند که در نتیجه به فقایشان برسد وقتی از اول این طور معین کردند

مخبر - بنده جواب ایشان را عرض می کنم تا متقاعد شوند
رئیس الوزراء - بنده برای يك کار مهمی که پیش آمده بود تقاضای جلسه خصوصی کردم و کاغذ هم بر رئیس محترم مجلس نوشتم و تقاضا کردم امروز سه ساعت قبل از ظهر جلسه خصوصی تشکیل شود و امروز هم در سه ساعت قبل از ظهر حاضر شدم اظهار کردند که چون بعضی از نمایندگان حاضر نشده اند جلسه علمی را تشکیل میدهم تا تمام آقایان حاضر شوند متأسفانه حالا نزدیک ظهر است و بنده هم معطل شده ام ولی عرض می کنم مذاکراتی که بنده با آقایان عرض می کنم خیلی مهمتر از این ها است این است که تقاضا می کنم اجازه تنفس داده شود و جلسه خصوصی تشکیل گردد که هر ایشم را عرض کنم

نایب رئیس - آقایان موافقتند جلسه ختم شود ؟
(از طرف نمایندگان - بلی صحیح است)
نایب رئیس - دستور جلسه آتی ، بقیه مذاکرات در پیشنهاد آقای شیخ الاسلام اصفهانی در تکمیل قانون استخدام و همچنین قانون امتیاز نفت لایحه هم از طرف دولت پیشنهاد شده است تقاضای تصویب پرداخت ۳۰۰ خروار شلتوك بابت حق الارض قریه استریه ورنه سلیم سنك ارجاع میشود به کمیسیون بودجه جلسه آتی روز سه شنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر خواهد بود (مجلس يك ربع ساعت قبل از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس مومن الملک
جلسه ۱۷۷
صورت مشروح مجلس
یوم سه شنبه هشتم ربیع الثانی ۱۳۴۱ مطابق
نشم قوس ۱۳۰۱
مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر

تحصیل نمی کنند و بر فقایشان نمیرسند خیلی اسباب تأسف است این قانون که ما با این دقت و شوق و شغف از مجلس گذشته است در آخر آن يك عده از کلای ولایات ولو این که اکثریت هم نداشته باشند رأی ندهند این است که بنده تأیید می کنم پیشنهاد خودم را که عجاتاً تا دولت موفق نشده است در هر ایالت و ولایتی مدرسه متوسطه تأسیس کند شرط استخدام دولت نامنشی گری اول همان تصدیق شش ساله ابتدائی باشد آن وقت حق دارند بگویند نمی پذیریم مگر این که در مدرسه متوسطه تحصیل کرده باشند اما در صورتی که مدرسه متوسطه نباشد چگونه میشود بر مستخدمین يك چنین تعمیلی کرد این رسماً محرومیت محصلین ولایات از استخدام دولت و در نتیجه دلسرد شدن آن ها از تحصیل خواهد بود

مخبر - بنده جواب ایشان را عرض می کنم تا متقاعد شوند
رئیس الوزراء - بنده برای يك کار مهمی که پیش آمده بود تقاضای جلسه خصوصی کردم و کاغذ هم بر رئیس محترم مجلس نوشتم و تقاضا کردم امروز سه ساعت قبل از ظهر جلسه خصوصی تشکیل شود و امروز هم در سه ساعت قبل از ظهر حاضر شدم اظهار کردند که چون بعضی از نمایندگان حاضر نشده اند جلسه علمی را تشکیل میدهم تا تمام آقایان حاضر شوند متأسفانه حالا نزدیک ظهر است و بنده هم معطل شده ام ولی عرض می کنم مذاکراتی که بنده با آقایان عرض می کنم خیلی مهمتر از این ها است این است که تقاضا می کنم اجازه تنفس داده شود و جلسه خصوصی تشکیل گردد که هر ایشم را عرض کنم

نایب رئیس - آقایان موافقتند جلسه ختم شود ؟
(از طرف نمایندگان - بلی صحیح است)
نایب رئیس - دستور جلسه آتی ، بقیه مذاکرات در پیشنهاد آقای شیخ الاسلام اصفهانی در تکمیل قانون استخدام و همچنین قانون امتیاز نفت لایحه هم از طرف دولت پیشنهاد شده است تقاضای تصویب پرداخت ۳۰۰ خروار شلتوك بابت حق الارض قریه استریه ورنه سلیم سنك ارجاع میشود به کمیسیون بودجه جلسه آتی روز سه شنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر خواهد بود (مجلس يك ربع ساعت قبل از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس مومن الملک
جلسه ۱۷۷
صورت مشروح مجلس
یوم سه شنبه هشتم ربیع الثانی ۱۳۴۱ مطابق
نشم قوس ۱۳۰۱
مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر